

آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۳). آرمان‌شهرگرایی و تحول آموزش و پرورش. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۱)، ۸۲-۷۳.



## آرمان‌شهرگرایی و تحول آموزش و پرورش

محمدرضا آهنچیان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۱

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل رابطه آرمان‌شهرگرایی با تحول آموزش و پرورش می‌باشد. مطالعه به روش تحلیلی و بر اساس مرور و استخراج اطلاعات مرتبط با هدف تحقیق و طبقه‌بندی آنها صورت گرفت. در این راستا، پس از تعریف آرمان‌شهر، اندیشه‌های اساسی مشهورترین آرمان‌شهرگرایان یعنی افلاطون، توماس مور و فرانسیس بیکن به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت. پس از مفهوم‌پردازی «تحول» در آموزش و پرورش، رابطه آرمان‌شهرگرایی با تحول آموزش و پرورش تحلیل شد. یافته‌ها در شش نتیجه اصلی به صورت جداگانه مورد بحث قرار گرفت. در پایان این نتیجه حاصل شد که اگر آموزش و پرورش، هدف-گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلیدی خود را بر مبنای یک آرمان ملی انجام دهد، به سوی آرمان‌شهرگرایی جهت‌گیری کرده است. این جهت‌گیری، اندیشه و اقدام آموزش و پرورش را به سمت ایجاد هرگونه تغییر، از خود متأثر می‌سازد.

**واژه‌های کلیدی:** تحول، آرمان‌شهرگرایی، آموزش و پرورش

### مقدمه

شاید تاکنون هیچ نظریه تربیتی مانند آرمان‌شهرگرایی<sup>۲</sup> بر ضرورت تحول در آموزش و پرورش تأکید نکرده باشد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که طرفداران این نظریه، خواهان تحول در نحوه زندگی مردم هستند. آرمان‌شهرگرایان، از انتظام اجتماعی زمانه خود ناخرسندند. این ناخرسندی، آنها را به سوی

<sup>۱</sup>. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد، ahanchi8@um.ac.ir

<sup>۲</sup>. utopianism

ترسیم یک «آرمان» ترغیب می‌کند.<sup>۱</sup> هدف آنان از ترسیم آرمان، ارائه طرحی برای تغییرات اساسی در جهان، در سطح کلان و یا در نظم موجود جامعه، در سطح خرد است. این برداشت از آرمان، آن را به معنای «مطلوب» یا مورد درخواست نزدیک می‌کند.

تاریخ اندیشه‌های مربوط به آرمان‌شهرگرایی نشان می‌دهد که همه پیروان آن، به اتفاق، آموزش و پرورش را ابزار مناسبی برای رسیدن به مطلوب یا واقعیت بخشیدن به «آرمان» می‌دانند (Lewis, 2006). به سخن دیگر، پیروان این نظریه، مسئولیت تحول به سوی «آرمان» را به آموزش و پرورش واگذار می‌کنند. بر این اساس، می‌توان استنباط کرد که بر طبق آرمان‌شهرگرایی، در یک رابطه خطی و ساده، «اگر» آن نوع آموزش و پرورش شکل بگیرد، «پس» شکل‌گیری و استقرار آرمان‌شهر امکان خواهد داشت. تحول نظام آموزشی نیز در «آن نوع آموزش و پرورش» معنا و ضرورت پیدا می‌کند.

آرمان‌شهرگرایان در تلاش برای نشان دادن درستی این رابطه، گاهی در یک اقدام شخصی و در قالب در یک واحد آموزشی آزمایشگاهی (به طور نمونه، مدرسه رابرت آون در قرن ۱۹ در انگلستان) می‌کوشیدند تا نشان دهند که «چگونه» آموزش و پرورش را انتظار می‌کشند (Gutek, 2012). تلاش آنان همیشه و تحت هر شرایطی موفق نبوده است. از یک زاویه دیگر نیز، ضرورت تحول در نظام آموزش و پرورش، در تحلیل علت شکست آرمان‌شهرگرایان در تأمین انتظاراتی که از آموزش و پرورش داشتند، مطرح می‌شود.

این مطالعه، به طور خلاصه تاریخچه آرمان‌شهرگرایی را بر محور اندیشه فیلسوفان مطرح در این نظریه مرور می‌نماید، سپس مقصود از تحول در آموزش و پرورش را بر اساس آرمان‌شهرگرایی مفهوم‌پردازی می‌کند. این دو اقدام، مقدمه ورود به زمینه‌ای است که هدف مطالعه بر آن تمرکز دارد: آیا آرمان‌شهرگرایی، به منزله یک نظریه تربیتی، راه توجیه‌پذیری به سوی تحول در آموزش و پرورش است؟

### آرمان‌شهرگرایی: مرور شناسه‌های کلیدی

ریشه‌های آرمان‌شهرگرایی به فلسفه سیاسی باز می‌گردد. فلسفه سیاسی با تمرکز بر محور «حکومت»، مجموعه تأملات سیاسی درباره روش نظم بخشیدن به حیات جمعی بشر است. حیات جمعی ما را نهادها و کارکردهای اجتماعی از جمله اقتصاد و آموزش و پرورش شکل می‌دهند که حکومت هر

<sup>۱</sup>. اتوپیا مترادف آرمان نیست. در حقیقت، معنای اصلی آن «جایی که در خیال ناید» است. ou به معنی نیستن و فقدان و opos به معنای جا و مکان است. می‌توان آن را «ناکجا» هم خواند. وضع غیرحقیقی آن را می‌توان معادل آرمان، یعنی آنچه از واقعیت دور است، دانست.

جامعه مسئول رسیدگی به آن است. رابطه اصالت آرمان‌شهر با فلسفه سیاسی روشن است: چگونه باید به حیات جمعی آدمیان انتظام بخشید تا آنان در «خیر» زندگی کنند؟ زندگی در «خیر»، زندگی در آرمان‌شهر است. این نوع زندگی در صورتی تحقق خواهد یافت که عقل<sup>۱</sup> بر شهر حکومت کند. آرمان‌شهر با حکومت یا دولتی که شرایط بسیار خوبی را برای شهروندان خود فراهم کرده است، ظهور پیدا نمی‌کند. آنچه به آرمان‌شهر شکل می‌دهد این است که همه فعالیت‌ها و تحولات مورد نیاز شهر، به طور عقلانی صورت بگیرد؛ منافع جمعی بر منافع فردی تقدم داشته باشد؛ و طمع و آزانسان برای کسب ثروت و قدرت به طور منطقی کنترل شود. خودخواهی و بی‌توجهی به حقوق دیگران از اصلی‌ترین دشمنان آرمان‌شهر است. از نگاه آرمان‌شهرگرایی، آموزش و پرورش همراه با سایر نهادها و کارکردها، در کنترل این صفات ذاتی بشری و ساخته شدن «حیات جمعی متوجه خیر»، نقش موثری دارد، یا چنانکه پس از این گفته خواهد شد، یکی از ارکان تشکیل‌دهنده هر آرمان‌شهری، آموزش و پرورش است. در این موضع که رابطه آرمان-شهر با آموزش و پرورش مورد بحث قرار می‌گیرد، دو پیش فرض قابل طرح است: ۱) وجود آرمان‌شهر خود به خود به تحول آموزش و پرورش منجر می‌شود؛ و ۲) آرمان‌شهر بدون تحول در آموزش و پرورش شکل نمی‌گیرد. آرمان‌شهرگرایان پیش فرض دومی را پذیرفته‌اند.

در میان فیلسوفان، معروف‌ترین کسانی که آرمان‌شهرگرا محسوب می‌شوند، افلاطون<sup>۲</sup>، تامس مور<sup>۳</sup>، و فرانسیس بیکن<sup>۴</sup> می‌باشند. از مشهورترین نمونه‌های یک آرمان‌شهر می‌توان به «مدینه فاضله افلاطون»، «یوتوپای مور» و «آتلانتیس نوی بیکن» اشاره کرد. افلاطون در آرمان‌شهر (مدینه فاضله) خود دانسته بود که باید از راه یک «حکومت نیک» به «شهر نیک» رسید. حکومت نیک او خود به خود شکل نمی‌گیرد. حکومت خوب نیازمند قرار داشتن هرکس در جای خود است. فرد بر اساس وضعیت طبیعی خود باید آموزش‌های متناسب دریافت کند و بر اساس سطح و نوع آموزشی که دریافت می‌کند باید جایگاه معینی در جامعه داشته باشد (Plato, 424-423 BC). ابراهیم پور به نقل از عنایت چنین می‌نویسد که «از نگاه افلاطون تا آرمان‌شهر ایجاد نشود، گرفتاری‌های انسانیت به پایان نمی‌رسد؛ تا گرفتاری‌های انسانیت نیز پایان نرسد، فیلسوفان در این جهان شهریار نمی‌شوند. آرمان‌شهر افلاطون نتیجه حکومت فیلسوف‌شاهان است. اینان می‌توانند قدرت سیاسی را با قدرت فلسفی درهم آمیزند و نظامی را ایجاد کنند که در آن سعادت انسان تأمین شود.» (Ebrahimpoor, 2010)

<sup>۱</sup>. reason

<sup>۲</sup>. Plato

<sup>۳</sup>. Tomas More

<sup>۴</sup>. Francis Bacon

مور (۱۵۳۵-۱۴۷۸) در جلد نخست از دوگانه خود با عنوان «تویپا» به بررسی وضعیت نامناسب جامعه انگلستان اوایل سده شانزدهم پرداخت و در جلد دوم آرمان‌شهر خود را وصف کرد (Ramin, 2011). این توصیف همراه با انتقاد شدید از اوضاع اجتماعی زمانه خود بوده است. مور نیز مانند بسیاری دیگر از اندیشمندان و فلاسفه برای آموزش و پرورش نقش کلیدی در نظر داشت. دانش و دانش‌اندوزی برای مردم آرمان‌شهر مور، ارزشمند است. همه اهالی اتویپا آموزش‌های لازم را دریافت می‌کنند. آموزش برای کودکان الزامی است. مور مالکیت را اصلی‌ترین دلیل زوال انسانیت می‌داند و به همین دلیل، خواهان برچیده شدن آن در آرمان‌شهر خود است. در شهر او مانند مدینه افلاطون، همه کارها به بهترین نحو و با در نظر گرفتن نفع همگانی انجام می‌شود. حاکم شهر مور نیز ضمن اینکه برای دولت قانون وضع می‌کند، خود نخستین کسی است که به آن تن می‌دهد؛ روابط او با مردم مبتنی بر عدالت و برابری است. این مردم از زندگی در اتویپا خشنود هستند؛ زمان کار، استراحت و خواب آنها تعریف شده است. ظاهر شهر و خانه‌ها و خیابان‌های آن نشان نمی‌دهد که افراد بر هم برتری دارند (More, 2005).

بیکن (۱۶۲۶-۱۵۶۱) که در اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی سده هفدهم میلادی می‌زیست، بیماری‌های میهن خود، انگلستان را، تشخیص داده بود و امیدوار بود تا «علم» را دارویی برای درمان بیماری‌های آن کند. او در کتاب آتلانتیس نو، آرمان‌شهر علمی را پیشنهاد داد که چون آزمایشگاهی بزرگ برای کسب، تولید و توسعه دانش روز تلاش کند و بکوشد با نهادینه ساختن آن در جامعه از مشکلات آن بکاهد (Gahderi Sahi & Jannesari Ladani, 2010). کلید شکل‌گیری آرمان‌شهر بیکن، انجمن علمی بود. در انجمن علمی علاوه بر امکان تولید و فرآوری یافته‌های علمی، برای کاربرد آن در زندگی مردم و ارتقای رفاه جامعه تلاش می‌شد.

به طور کلی، فیلسوفانی که در دوره‌های زمانی مختلف برای خود آرمان‌شهری را ترسیم کرده‌اند، معتقد بودند که آموزش و پرورش یک رکن اساسی برای ساخته شدن آرمان‌شهر است. از طریق داشتن آموزش و پرورش متحول شده، قدرتمند و اثرگذار، «امکان» دستیابی به آرمان‌شهر، به واقعیت یا «وجود» تبدیل می‌شود (به طور نمونه، More, 2009; Freeman-Moir, 2004; Ramin, 2011). در عمل، آرمان-شهرگرایان از نظر تاریخی با ناکامی‌های زیادی روبه‌رو شده‌اند و گاهی حتی در راه رسیدن به مطلوب خود، ابراز ناامیدی و یأس نموده‌اند. آموزش و دانش‌اندوزی بارقه امید این دسته از فیلسوفان در شکل‌گیری آرمان‌شهر است. آموزش و پرورش در صورتی می‌تواند در این راه موثر واقع شود که بتواند آرمان‌های زندگی در چنین شهری را به واقعیت نزدیک کند. در این نقطه است که آرمان‌شهرگرایی با

تحول در آموزش و پرورش پیوند می‌خورد.

## تحول آموزش و پرورش

منظور از تحول آموزش و پرورش در این مقاله، هرگونه تغییر بنیادی در اندیشه و عمل تربیتی است که بتواند به بهترین نحو انتظارات جدید که در نتیجه تحولات جهانی، ملی و محلی مطرح شده است را پاسخ بدهد. مبنای قضاوت درباره «بهترین» بودن در این تعریف، رفع نیازهای مردم در عمل است و مبنای رفع نیازها در عمل، تأمین زندگی معنوی و مادی افراد در جامعه مطلوب یا آرمانی به نحوی است که مورد نظر قانون‌گذاران یا حاکمان باشد.

با یک نگاه انتقادی، این تعریف می‌تواند مبهم و حامل خطری در دل خود باشد: مبهم از آنجاکه «تأمین زندگی معنوی و مادی» مردم، تنوع‌پذیر و به اقتضای شرایط ارزیابی می‌شود؛ شاید هم‌اکنون از نگاه حاکمان بسیاری از ممالک دنیا، شرایط زندگی مردم آنان، مطلوب یا آرمانی است، و خطری بدان سبب که اگر قانون‌گذاران یا حاکمان، افراد شایسته‌ای نباشند، در مفهوم‌پردازی و پیکربندی ساخت آرمان‌شهر دچار خطا خواهند شد. در این صورت پاسخ‌گویی به نیازهای مردم، پاسخ‌گویی به خلاف آنچه شایسته زندگی است، خواهد بود. حساسیت نقش حاکمان در این جایگاه به خوبی روشن می‌شود. از این منظر می‌توان دلیل تأکید فیلسوفانی چون افلاطون، مور و بیکن در وابسته نمودن شکل‌گیری آرمان‌شهر به حاکمان را تحلیل کرد. مدینه فاضله افلاطون توسط فیلسوف شاهان، اتویپای مور به وسیله حاکم عادل و آتلانتیس نوی بیکن با رهبری عالمان اداره می‌شود. بر اساس تشخیص حاکمان از آرمان جامعه، آموزش و پرورش خود به خود موظف خواهد شد تا عقب‌به‌ماشین تغییرات خود را به سوی تحقق آرمان‌شهر تنظیم کند.

## یافته‌ها و بحث

بر اساس مرور اندیشه آرمان‌شهرگرایان و با فرض پذیرفته بودن مفهوم تحول آموزش و پرورش، در اینجا یافته‌های اصلی به تفکیک ارائه شده و با رعایت اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد.

**یافته یکم:** رابطه آرمان‌شهر با تحول آموزش و پرورش رابطه مستقیم قابل درکی است؛ تا آرمانی وجود نداشته باشد، تحولی ضرورت پیدا نمی‌کند. چون آرمان به زندگی جمعی و به شهر پیوند خورد، لاجرم تحول نیز به آموزش و پرورش گره می‌خورد. توضیح آنکه برای تبدیل شهر به آرمان‌شهر ایجاد تغییرات اساسی در اندیشه و کردار اهالی شهر ضروری است. این تغییرات به آسانی و موجه‌ترین وجه از طریق آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. آموزش و پرورش‌ای که در معرض انتظارات جدید یا خواست

تغییرات اساسی در اندیشه و کردار مردم قرار بگیرد، نیازمند تغییرات اساسی در هدف‌ها و برنامه‌های خود است. این تغییرات اساسی از نگاه مطالعه حاضر، مترادف با تحول مفهوم‌پردازی شد. رابطه مذکور با پذیرش این پیش‌فرض معنی می‌یابد که مهم‌ترین کارکرد آموزش و پرورش به منزله یک نهاد، کارکرد اجتماعی است. تربیت فرد بر اساس این پیش‌فرض، ارزشی فراتر از اینکه برای شهر، یکی از اهالی شایسته و بهنجار باشد، به همراه ندارد.

هرچند آرمان‌گرایی مترادف با آرمان‌شهرگرایی نیست، اما در بنیادهای دومی، نقش تمایل انسان به سوی آرمان به معنی «مطلوب» مشاهده می‌شود. آرمان‌شهر، رویای بازگشت به بهشتی است که آدمی از آنجا رانده شده است، اما در شکل‌بخشی آرمان‌شهر، اوصاف این بهشت به شهری زمینی نسبت داده می‌شود که در زندگی انسان متجلی است (Shahseni, 1999 cited in Motallebi & Naderi, 2010). از نگاه آرمان‌شهرگرایان آموزش و پرورش می‌تواند به ساخته شدن این بهشت زمینی کمک کند. روشن است که هر نوع آموزش و پرورشی از عهده این مسئولیت بر نمی‌آید. بر این اساس، آنان خواستار یک آموزش و پرورش ویژه هستند. ویژگی‌های این آموزش و پرورش را می‌توان به صورت زیر استنباط کرد:

(۱) از کاربرد علم معتبر، برای حل مسایل زندگی مردم پشتیبانی کند؛

(۲) برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های آن مبتنی بر پژوهش و بر اساس روش علمی تمهید شود؛

(۳) برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، توسط یک حاکم خردمند و تربیت شده به عنوان قانون به تصویب

برسد؛ و

(۴) سوگیری قوانین و مقررات، به سمت تسهیل نیازهای مردم در یافتن لیاقت زندگی در آرمان‌شهر باشد.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که آموزش و پرورش تحت تأثیر نظریه آرمان‌شهرگرایی کاملاً منطقی و متکی بر عقلانیت، نیازهای مردم را در سطوح مختلف مورد پایش قرار می‌دهد و از آنجا که همیشه این نیازهای نو می‌شوند، آموزش و پرورش یکسره در حال تغییر است.

**یافته دوم:** آرمان‌شهرگرایی با تحول آموزش و پرورش پیوند گسترده و ژرفی دارد. این پیوند در

چند سطح قابل تحلیل است:

(۱) آرمان‌شهر، زمینه بهبود است. بهبود در زندگی جمعی، شرایط را برای پیدایش آرمان‌شهر

فراهم می‌سازد.

(۲) آرمان‌شهر با انتقاد همراه است. ظرفیت دیدن ضعف‌ها و بیماری‌های جامعه لازمه انتقاد از

وضع موجود است. بدون انتقاد از شرایط کنونی نیز امکان ارائه تصویری از مطلوب وجود ندارد.

۳) آرمان‌شهر به معنای آرزوی تغییر است. به این معنا که اتوپیا نیروی اصلی برای تغییر تاریخ است (Motallebi & Naderi, 2010).

۴) آرمان‌شهر، محمل تمام آرزوهای بشر از آغاز آفرینش تا کنون است. آرمان‌شهر، همان بهشت وعده داده شده بر روی زمین می‌باشد.

برای تحقق چنین شهری، جامعه نیازمند تغییرات اساسی است. بر اساس این چهار سطح، با حرکت از شماره نخست به شماره پایانی، با سطح دشواری و ویژگی‌های پیچیده‌تری از یک آرمان‌شهر روبه‌رو می‌شویم. به این ترتیب، نوع و سطح تحولاتی که آموزش و پرورش برای کمک به اعمال تغییرات مورد نیاز جامعه تقبل می‌کند نیز از ساده‌تر به دشوارتر حرکت می‌کند.

**یافته سوم:** آرمان‌شهرگرایی، «وظیفه‌مندی ویژه» را بر «رشدیافتگی عمومی» ترجیح می‌دهد. وقتی آموزش و پرورش پیروی از نظریه آرمان‌شهرگرایی را بپذیرد، ناگزیر بر کارکرد اجتماعی خود صحنه گذارده است. این پذیرش، می‌تواند به معنای کم/بی‌توجهی به سایر کارکردهای آموزش و پرورش باشد. آرمان‌شهر به سادگی و با سرعت ساخته نمی‌شود، اما حاکمان اغلب برای تربیت شهروندانی که پیش از تبدیل شدن به یک عضو مفید برای زندگی در شهر آرمانی در همه ابعاد شناختی، هیجانی و حسی- حرکتی رشد کرده باشند، صبوری لازم را ندارند. به همین دلیل، در این نوع آموزش و پرورش، محور ایده‌ها و برنامه‌ها، «وظیفه» است. شناخت و تعهد نسبت به «وظیفه»های شهروندی همیشه مستلزم افرادی که در همه ساحت‌های انسانی رشید شده باشند، نیست.

**یافته چهارم:** آرمان‌شهرگرایی نیازمند بهره‌مند شدن همه اعضای جامعه از آموزش‌های لازم برای احراز شایستگی زندگی در شهر آرمانی است. چهارمین یافته این مطالعه با طرح این پرسش کلیدی همراه است که «آیا تدارک آموزش برای همه افراد جامعه، بستر مناسبی برای پیاده شدن «آرمان» این نظریه تربیتی است؟» ممکن است آموزش وظیفه‌مند برای همه اعضای جامعه، برخلاف نیت مرییان آرمان‌شهرگرا، منجر به یکدستی و انفعال شود. این ویژگی‌ها جزء اصلی‌ترین مانع‌ها در راه تحول به شما می‌آیند. در چنین بستری، آموزش و پرورش باید بتواند بار سنگین تحول در جهان یا دست کم، نظم موجود اجتماعی را بر دوش بکشد. این تحول برای اعضا، به صورت اعلام شده از بالا خواهد بود؛ سرنوشت تحول جامعه‌ای که اعضا در آن می‌زیند، محصول همراهی آنان با ایده‌ها و اقدام‌های جدید حاکمان و قانون‌گذاران برای تغییر است. در بهترین وضعیت، متحول شدن از درون و تحول بخشیدن به

بیرون، مأموریت سنگینی برای آموزش و پرورش آرمان‌شهرگرایان است. این نتیجه به دست می‌آید که در رقابت بین حاکمان و مربیان، موفقیت از آن مربیان باشد. در این شرایط، مشخص نیست که آرمان‌حاکمان برای اعضا، از ارزش‌های تربیتی مورد نظر مربیان برای انسان اثر پذیرفته باشد. همچنین با فرض توافق با دیدگاه مربیان، روشن نیست که به دلیل تغییرات در حکومت و یا در نظرات حاکمان، سفر پر مخاطره «آرمان» تا تبدیل به واقعیت شود، به چه سرانجامی خواهد رسید.

**یافته پنجم:** در نظریه آرمان‌شهرگرایی، آموزش و پرورش به منزله یک وسیله، حامل و انسان‌ها محمول آرمان می‌شوند؛ آموزش و پرورش باید بتواند انسان‌ها را چونان سربازانی تربیت کند که بنا به مصلحت عمومی، آرمان را می‌شناسند و حتی حاضرند برای شکل‌گیری و یا نگهداری از آن جانفشانی کنند. نگاه ابزاری به آموزش و پرورش در راه تربیت شهروندانی که لیاقت زندگی در آرمان‌شهر را داشته باشند و حتی پیش از آن، در شکل‌گیری آرمان‌شهر نقش ایفا کرده باشند، می‌تواند بر ضد ارزش فرا نهاده شده بر آن باشد. به سخن دیگر، وقتی آموزش و پرورش، به منزله ابزار نگریسته می‌شود، بالقوه امکان تبدیل شدن به محمولی برای خواست‌های سیاسی و مطامع گروه‌های غالب اجتماعی را پیدا می‌کند. این گروه‌ها ممکن است آرمان‌های خود را به عنوان آرمان‌های مورد نظر جامعه معرفی نمایند. در نتیجه آنها ممکن است خواهان تحول در نظام آموزش و پرورش به نحوی باشند که نظام آموزشی، تحقق منافع آنها یا گروه خاص از افراد را تضمین کند.

**یافته ششم:** نظریه آرمان‌شهرگرایی در عمل ممکن است به کاسته شدن از اعتماد عمومی نسبت به قابلیت‌های آموزش و پرورش ختم شود. تحویل مأموریت تحول به آموزش و پرورش، آسان صورت می‌گیرد، اما تحقق این مأموریت پیچیده و دشوار است. در نتیجه، نقدهای زیادی از سوی نخبگان و توده مردم متوجه آموزش و پرورش می‌شود که توانایی کافی را در شکل دادن به «جهان نو» ندارد. پیامد این نقدها، کاسته شدن از اعتماد عمومی به قابلیت آموزش و پرورش در ایجاد تحول است. با پایین آمدن اعتماد عمومی، مقصود تحول‌خواهی از آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شود. در این شرایط، «امکان» تحول در آموزش و پرورش نیز با تردید همراه خواهد بود.

### تعیین رابطه با آموزش و پرورش کشور

بر اساس یافته‌های شش‌گانه، امکان شناسایی میزان پذیرش نظریه آرمان‌شهرگرایی در آموزش و پرورش کشور وجود دارد. وقتی آموزش و پرورش، هدف‌های اصلی و برنامه‌های محوری خود را بر اساس خواست و انتظارات جامعه به سوی یک آرمان ملی یا محلی تهیه کرده و به مرحله اجرا گذاشته



باشد، به سوی آرمان‌شهرگرایی حرکت کرده است. نشانه‌های این جهت‌گیری را می‌توان بر حسب وابستگی آموزش و پرورش کشور به اسناد بالادستی تشخیص داد. هر چند شواهد آشکاری مانند تسلسل هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان در آموزش و پرورش کشور بر بنیاد قوانین مرکزی و اسناد بالادستی وجود داشته و در اختیار همگان نیز قرار دارد، اما هدف در این مطالعه، شناسایی این نشانه‌ها و ارائه شواهدی دال بر وجود این وابستگی نبوده است. در واقع این مطالعه، بستر نظری لازم برای سایر پژوهشگران را در شناسایی میزان تابعیت آموزش و پرورش کشور از آرمان‌شهرگرایی فراهم آورده است.

### نتیجه

این مطالعه با هدف تحلیل رابطه آرمان‌شهرگرایی با تحول آموزش و پرورش انجام شد. به این منظور در آغاز پس از تعریف آرمان‌شهر، اندیشه‌های اساسی آرمان‌شهرگرایان مشهوری چون افلاطون، توماس مور و فرانسیس بیکن به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفت. تحول آموزش و پرورش تعریف شد و سپس رابطه آرمان‌شهرگرایی با تحول آموزش و پرورش تحلیل شد. یافته‌ها در شش مورد به صورت جداگانه مورد بحث قرار گرفت. در مجموع نتیجه گرفته شد که آموزش و پرورش، تحت تأثیر نظریه آرمان‌شهرگرایی، می‌تواند انسان را تبدیل به سربازی در خدمت آرمان‌های تعیین شده از سوی مراجع مرکزی کند. در این صورت، مفهوم تحول، در صورت لزوم با رشد انسان در همه ساحت‌های وجودی‌اش همراه نخواهد بود.

### منابع

- ابراهیم‌پور، داود (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی اتوپیا در اندیشه‌های اجتماعی افلاطون، ابونصر فارابی و کارل مارکس. *جامعه‌شناسی* ۱ (۳)، ۹۱-۱۱۰.
- رامین، فرح (۱۳۸۹). ساختار معرفت در فرهنگ اتوپای مور و آرمان شهر مهدوی. *مشرق موعود*، (۴) ۱۳.
- قادری سہی، بهزاد؛ جان‌نثاری لادانی، زهرا (۱۳۸۸). آرمانشهر یا هزارتوی خرد؟ جدول ویلیام بلیک با فرانسیس بیکن. *پژوهش زبان‌های خارجی*، شماره پیاپی ۵۴، ۶۷-۸۷.
- گوتهک، جرالد (۱۳۹۰). *مکاتب فلسفی و آرای تربیتی*. ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، تهران: نشر سمت.
- مطلبی، مسعود؛ نادری، محمدمهدی (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی مفهوم آرمانشهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب. *مطالعات سیاسی*، (۶) ۲، ۱۴۶-۱۲۵.
- مور، تامس (۱۳۸۷). *سرگذشت تامس مور: آرمانشهر (یوتوپیا)*. ترجمه نادر افشار نادری و داریوش آشوری، تهران: خوارزمی.

- Ebrahimpoor, D. (2010). A comparative study on Utopia in social thoughts of Plato, Farabi, and Marx. *Sociology*, 1 (3), 91-110.
- Freeman-Moir, J. (2004). Turning toward history: turning towards Utopia. *Policy Future in Education*, 2 (3), 555-564 .
- Ghaderi Sahi, B. & Jannesari Ladani, Z. (2010). Utopia or wisdom maze? William Blake and Francis Bacon debate. *Researches in Linguistics*, 54, 67-87.
- Gutec, J. (2012). *Philosophical schools and educational thoughts*. (Mohammad Jafar Pakseresht, Trans.), Tehran: Samt.
- Lewis, T. (2006), Utopia and Education in critical theory. *Policy Future in Education*, 4 (1), 6-17.
- More, T. (2009). *The bibliography of Thomas More: Utopia*. (Nader Afshar Naderi & Darius Ashoori, Trans.). Tehran: Kharazmi.
- More, T. (2005), Utopia, released as e-book by US-ASCII, Retrieved on 22 Mar. 13 from <http://www.gutenberg.org/files/2130>
- Motallebi, M. & Naderi, M. M. (2010). A comparative study on the concept of Utopia in political thought of Islam, Iran and West. *Journal of Political Studies*, 6 (2), 125-146 .
- Ramin, F. (2011). Knowing structure in the culture of More's Utopia and Mahdavi's one. *Mashreq-e Mouood*, 13 (4), 59-85.